

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

## چالشها و چشم اندازهای مدیریت نوین روستایی در ایران

مقصود بیات<sup>۱</sup>، صدیقه کرمی نسب<sup>۲</sup>، بتول میرزاییان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس امور کشوری و مدنی استانداری فارس، mbayat\_20@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت معلم تهران، sedighekarami29@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت معلم تهران، elahe20126262@yahoo.com

چکیده- مدیریت روستایی در ایران مانند دیگر سطوح مدیریتی سرزمینی از گذشته های دور تاکنون با تحولات ساختاری، تغییرات سازمانی، شیوه مدیریت، چالش های ساختاری و مشکلات عدیده ای روبه رو بوده است. از یک سو، با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی در هر دوره ای، ساختارهای قبلی سنتی اعمال مدیریت در مناطق روستایی نتوانسته است مشکلات را حل کند و از دیگر سو، ساختار مدیریت جدید روستایی به ویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد که مبتنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه ریزی از پایین به بالاست، به دلایل متعدد از جمله بومی نشدن و مداخله گسترده دولت به طور کامل نهادینه نشده تا بتواند مشکلات روستاهای امروزی را برطرف سازد. براین اساس در مقاله حاضر ضمن ارائه شمای کلی از تحولات ساختار مدیریت روستایی کشور، به بررسی چالش های مدیریت روستایی در ایران پرداخته شده است. روش تحقیق پژوهش توصیفی - تحلیلی است و در جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای، اسنادی و پایگاه های اطلاع رسانی استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد مدیریت جدید روستایی با توجه به نو بودن نیازمند مدیران کارآمدی است که بتوانند با تکیه بر اراده مردم و ارتباط رسمی و منطقی با دولت، ضامن برقراری ارتباط پایدار، دوسویه مردم و حکومت بوده و بخشی از وظیفه مدیریت و تحول در جامعه را بر عهده داشته باشند.

کلید واژه ها- مدیریت، مدیریت نوین روستایی، دهیاری ها، شوراهای اسلامی روستا، چالش های مدیریت روستایی.

### ۱. مقدمه

وجود برخی زمینه ها و قابلیت ها در حوزه مدیریت نوین روستایی می تواند زمینه ساز ارتقاء کیفی مدیریت روستایی و موفقیت برنامه ارتقاء شاخص های عمران و خدمات روستایی بوده و این فرایند را تسهیل و تسریع نماید. در عین حال شناسایی این زمینه ها می تواند در تدوین اهداف و راهبردهای عینی نقش مهمی ایفا نماید. اکنون پس از گذشت حدود نه سال از راه اندازی نهاد دهیاری، بررسی های انجام شده در نظام مدیریت روستایی کشور حاکی از وجود نارسایی ها و چالش های متعددی است که وجود آنها ممکن است موفقیت، ثمر بخشی و تحقق اهداف مورد انتظار از این پدیده نو ظهور را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین شایسته است ضمن شناسایی عالمانه این چالشها، برای مرتفع نمودن آنها برنامه ریزی و اقدام شود [۶]. مطالعات انجام شده از جمله (قدیری معصوم - ریاحی، ۱۳۸۳)، (علینی، ۱۳۸۵) و همچنین (بدری، ۱۳۹۰) و... در رابطه با این موضوع پرداخته اند، که نتایج نشان می دهد برای تحقق و عملیاتی کردن حق توسعه یافتگی و زندگی شرافتمندانه در چارچوب چشم انداز روستایی، لزوم توجه به سازکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه ها، شیوه های برنامه ریزی، قوانین،

مدیریت روستایی در ایران مانند دیگر سطوح مدیریتی سرزمینی از گذشته های دور تاکنون با تحولات ساختاری، تغییرات سازمانی، شیوه مدیریت، چالش های ساختاری و مشکلات عدیده ای روبه رو بوده است. از یک سو، با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی در هر دوره ای، ساختارهای قبلی سنتی اعمال مدیریت در مناطق روستایی نتوانسته است مشکلات را حل کند و از دیگر سو، ساختار مدیریت جدید روستایی به ویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد که مبتنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه ریزی از پایین به بالاست، به دلایل متعدد از جمله بومی نشدن و مداخله گسترده دولت به طور کامل نهادینه نشده تا بتواند مشکلات روستاهای امروزی را برطرف سازد [۱۵].

روستاهای ایران بر حسب استقرار در محیط های طبیعی، از موانع رشد و توسعه متعدد و متمایزی برخوردارند. محیط طبیعی که از یک سو می تواند سبب رشد همه جانبه روستاها باشد از سوی دیگر نیز به مثابه مانع رشد این جوامع عمل می کند.

رویه ها، سبک ها و شیوه مدیریت و حکمرانی و تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی، محلی و مدنی از طریق خوشه ای و شبکه ای کردن آنها ضرورت دارد. با توجه به مطالب ذکر شده در این مقاله سعی شده است که پیش از پرداختن به چالش ها، ابتدا نگاهی به سیر تحولات تاریخی مدیریت روستایی در ایران، قبل و بعد از انقلاب اسلامی و در نهایت ارائه پیشنهاد، راهکارهایی را برای موفق کردن این امر مهم، مدیریتی کاردان برای توسعه جوامع روستایی چه در حال و چه در آینده ایجاد شود.

## ۲. تعاریف و مفاهیم

در منابع علمی، تعاریف متعددی از مدیریت ارائه شده است. عده ای مدیریت را هنر انجام امور به وسیله دیگران توصیف کرده و بر نقش دیگران و قبول هدف از سوی آنان تأکید داشته اند، گروهی مدیریت را علم هماهنگی کوشش های اعضای سازمان و استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین توصیف کرده اند [۲]. در تعریفی دیگر مدیریت فرایند به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می گیرد [۹] و مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان ها و نهادها است. این سازمان ها و نهادها وسایل تأمین هدف های جامعه روستایی می باشند. مدیریت روستایی فرایند چند جانبه ای است که شامل سه رکن، مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات، سازمان های روستایی و برنامه ها و طرح های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می گیرد [۱۸].

**مدیریت نوین روستایی:** منظور از مدیریت نوین روستایی تشکیلاتی است که به دنبال تصویب «قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» در سال ۱۳۷۵ و نیز «قانون تأسیس دهیاری های خودکفا در روستاهای کشور به وجود آمده است، می باشد. طبق قانون، شورا به عنوان نهاد تصمیم گیر، برنامه ریز و سیاست گذار و دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورا و مسوول اجرای امور روستا شناخته شده است. تأسیس این دو نهاد عمومی غیر دولتی نشانه ای از حرکت به سوی اجرای «نظام نوین مدیریت در روستاها» است که می تواند تحول شگرفی در فرایند توسعه مدیریت روستایی ایجاد نماید. جایگاه مناسب قانونی دهیاری و قابلیت ها و کارکردهای

متعدد و متنوع آن باعث شد که در برنامه چهارم توسعه، واگذاری برخی از وظایف دستگاه های اجرایی به عهده دهیاری ها نیز پیش بینی شود [۶]. بدین ترتیب با توجه به تغییر و تحولات کنونی در نظام مدیریت روستایی، در مباحث نوین مدیریت روستایی پنج نکته زیر اساسی به شمار می رود [۱۰]:

۱. ایجاد ساختار مناسب برای ورود به مبحث جایگاه و نقش مدیریت روستایی که در مباحث علمی مدیریت، به عنوان سازمان دهی روستایی شناخته می شود؛

۲. تفکیک مقوله مدیریت روستایی به حداقل تعداد واحدها و مباحث و تعریف دقیق آن ها به شیوه ای که بتواند به کارشناسان در بهره گیری کامل از دانش موجود یاری رساند؛

۳. تأکید بر بهره گیری کامل از مباحث مدیریتی که کارایی آنها در موارد دیگر به اثبات رسیده است؛

۴. بهره گیری از فنون تصمیم سازی به شیوه هایی که مشوق پذیرش آن ها در الزامات فعالیت در محیط های روستایی باشد؛ و

۵. بیان دستاوردهای علمی و آموزشی مدیریت روستایی به زبان ساده و قابل فهم برای روستاییان.

امروزه صاحب نظران توسعه، رسیدن به توسعه یکپارچه و پایدار را مستلزم توانمندی نیروی انسانی و مدیریت صحیح در سطوح مختلف جامعه می دانند. در این زمینه با توجه به این که اصول مدیریتی عام برای مدیریت صحیح همه سازمانها و نهادها لازم و ضروری است، ولی سازمان و نهادهای محلی به ویژه سازمان هایی که در سطح نقاط روستایی شکل می گیرند، ویژگی های خاص خود را دارند و مدیران آنها علاوه بر دارا بودن صلاحیت های عمومی مدیریتی، باید با خصوصیات جامعه روستایی و چگونگی کار با روستاییان آشنایی کافی داشته باشند [۶].

**چشم انداز مدیریت نوین روستایی:** در دهه های اخیر هم زمان با توسعه و پیشرفت علوم، شناخت آینده های ممکن و ارائه تصویری از آینده مورد انتظار تحت عنوان ترسیم چشم انداز، آینده نگری، آینده شناسی و مانند آن به صورت علمی مطرح شده و انسان ها نه تنها به دنبال شناخت آینده هستند بلکه در تلاشند تا آینده دلخواه خود را بسازند. به همین منظور انسان ها با کمک روش های برنامه ریزی استراتژیک، برنامه ریزی بلند مدت معمولی، تدوین سند چشم انداز و مانند آن در فکر ارائه تصویری از آینده مطلوب و چگونگی تحقق آن می باشند. بررسی

به منظور اعمال مدیریت دولتی به جای مدیریت اربابان و مالکان تدوین شد و برای اولین بار از کدخدا نام برده شد که عملاً می‌بایست از طرف مالک انتخاب شود. اما به طور کلی ساخت بزرگ مالکی در جامعه روستایی، موضوع روابط اجتماعی روستاییان، هرم قدرت، وضعیت عمرانی و نحوه مشارکت در مسائل مختلف مربوط به روستا تغییرات قابل توجهی نکرد [۷].

**دوره سوم از اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی:** در این دوره طی سال‌های قبل از انقلاب به ویژه پس از اصلاحات ارضی نشان می‌دهد به مرور مدیریت دولتی جایگزین مدیریت مردمی و محلی شد و این روند با گذشت زمان افزایش یافت، به طوری که دخالت دولت در روستا ارکان سنتی اداره امور عمومی را از هم پاشید. تشکیلات دولتی مانند انجمن ده، شرکت‌های تعاونی روستایی، سپاه دانش، سپاه ترویج، سپاه بهداشت، خانه انصاف و دیگر نهادها هیچ‌گاه پایگاه استواری برای فعالیت نیافتند و تغییرات مکرر قوانین و احاله امور روستاها از وزارت خانه ای به وزارت دیگر موجبات سردرگمی را در مدیریت روستایی به وجود آورد. با وجود این وضعیت در این دوره روستاهای کشور، هم‌چنان در انزوا، فقر و محرومیت به سر می‌بردند [۶].

**دوره چهارم پس از پیروزی انقلاب اسلامی:** با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر و تحولات بنیانی که در شیوه حکومت، نوع نگاه به انسان، سازماندهی اجرایی و تغییر نگرش به روستا ایجاد شد [۱۱]. با این همه، اهداف انقلابی ایجاب می‌نمود که نهادهایی همچون تشکیل هیأت‌های هفت نفره، شورای عالی کشاورزی، مراکز خدمات کشاورزی، مراکز و خانه‌های بهداشت مجتمع‌های بهزیستی روستایی، کمیته امداد، بسیج و شورای اسلامی روستا و دهیاری‌ها علاوه بر جهادسازندگی، بنیاد مسکن با خواست مردم بوجود آید تا در شرایط جدید اداره امور روستاها را به عهده بگیرند [۳]. در سال ۱۳۷۵ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی با اصلاحات جدید به تصویب مجلس رسید و اولین دوره‌ی جدید شوراهای روستایی در سال ۱۳۷۷ شکل گرفت. تا کنون دو دوره شورای اسلامی به اتمام رسیده و دوره سوم شوراهای اسلامی مشغول فعالیت هستند. بر اساس قانون، تعداد اعضای شوراهای اسلامی روستا بین ۳ تا ۵ نفر می‌باشند و می‌توانند برای مسائل اجرایی روستا، فردی را به عنوان دهیار، انتخاب نمایند تا زیر نظر شوراهای اسلامی روستا انجام فعالیت نماید [۱۱]. بر اساس آخرین اطلاعات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور، در خرداد ۱۳۸۷، تعداد ۲۱۶۶۲

تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تدوین چشم‌انداز (آرمان قابل تحقق و واقع‌گرا) در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و حتی در سطح یک سکونتگاه روستایی و یا به تفکیک بخش‌های مختلف، تدوین و به اجرا درمی‌آید [۱۵]. از سوی دیگر، ساختار موجود نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطح کلان، نیازمند نوعی مدیریت راهبردی است تا با نگاه بلندتری که به سال‌های آتی دارد بتواند با تبیین مسایل پیش‌روی در شرایط حاضر و آینده، زمان وقوع و آثار وقوع را در برنامه‌ریزی پیش‌بینی نماید و متناسب با این تغییرات آینده‌نگری را اصلاح و موضوعات را اولویت‌بندی راهبردی نماید. بنابراین تفاهم و همدلی و مشارکت‌پذیری، توجه به دگرگونی‌ها در جهان، ایران و روستاها، و توجه به چرخه تصمیم‌گیری علمی چند رشته‌ای و فرا رشته‌ای ارتباطی و مشارکتی در این مدیریت، مطرح می‌شود [۶].

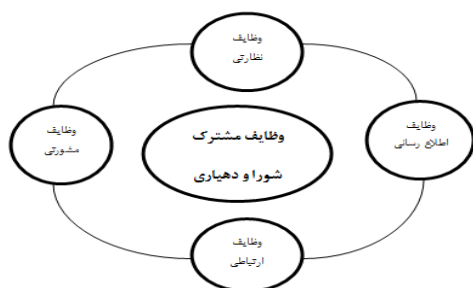
## بررسی پیشینه‌ی تاریخی نظام مدیریت روستایی در ایران:

**دوره اول قبل از مشروطیت:** روستاها به منزله نخستین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، سازمان اجتماعی و مدیریت داشته‌اند لیکن مدیریتی با مفهوم گسترده تری نظیر وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اداری و غیره را شامل می‌شود از این منظر مدیریت عبارت است از تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی و غیره ... در جامعه روستایی که تا پیش از مشروطیت و حتی تا دهه پیش اساس اقتصاد کشورو تأمین‌کننده عمده منابع خزانه کشور بود [۱۲]. در این دوره تاریخی اداره کل روستاها از جهات مختلف با مالک بود. مالکان نیز با حکومت رابطه دوسویه داشتند. شاه در مقام مالک عمده با واگذاری تیول و اقطاع به درباریان و نزدیکان، قدرت اعمال مدیریت را به آنان واگذار می‌کرد و مالکان نیز از طریق مباشران خود یا راساً با انتصاب کدخدایان امور مختلف روستا را رتق و فتق می‌کردند [۱۴].

**دوره دوم از مشروطیت تا اصلاحات ارضی ۱۳۴۱:** بعد از برقراری مشروطه، دگرگونی‌های ناشی از مشروطیت ابعاد مختلف ایران و جامعه روستایی را تحت تأثیر قرار داد و دولت و حاکمان وقت را علاوه بر توجه به شئونات مختلف زندگی مردم، به دخالت در امور روستاها و احساس مسئولیت بیشتر در قبال آن رهنمون ساخت. از اقدامات اولیه می‌توان به لغو تیولداری و تصویب قانون تشکیل ایالات و ولایات اشاره کرد. قانون مذکور

## ارتباط متقابل شورا و دهیاری

در دهه های اخیر از جمله راه کارهایی که در فرایند توسعه روستایی و در حوزه مدیریت روستا همراه با مشارکت مردم مورد توجه ویژه برنامه ریزان و کارشناسان قرار گرفته، ساخت و رشد ظرفیت ها و قالب های جدید برای همکاری هدفمند و تعریف شده مردم جوامع روستایی در مدیریت روستاها بود و بر این اساس شوراهای و نهاد های محلی پدیدار شدند و رشد یافتند. در ایران نیز پس از تحولات و چالش های فراوان در عرصه مدیریت روستایی، شورای اسلامی روستا و دهیاری ها پا به عرصه مدیریت روستایی کشور نهادند. همان گونه که از نام شورا پیداست، ایجاد تعامل و همکاری و همیاری برای تسهیل در فرایند توسعه روستایی از اهداف مهم این نهاد مردمی است. لذا توسعه پایدار روستا مستلزم ارتباط و همکاری دو سویه و قوی میان این دو موجب تسهیل در اداره امور روستا و از طرفی تسریع در روند توسعه روستا خواهد بود. به طور کلی می توان چهار وظیفه مشترک برای شوراهای اسلامی روستا و دهیاری ها برشمرد [۱].

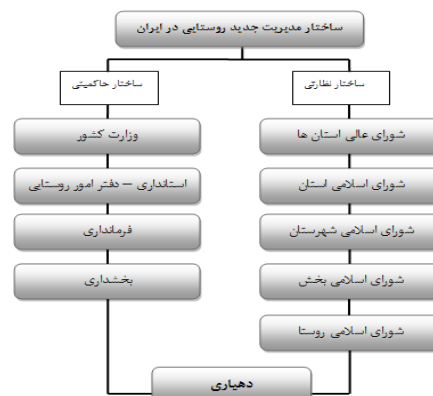


شکل ۲: نمودار وظایف مشترک شورا و دهیاری [۱].

در این تقسیم بندی نقش شوراهای به ابعاد تصمیم سازی و تصمیم گیری و دهیاری ها به اجرایی دسته بندی شده است. ۳۷ درصد از وظایف دهیاری ها وظایف ارتباطی است. به طوری که ۱۸ بند از وظایف ۴۸ گانه دهیاری ها به تعامل با دیگران ارتباط دارد. این در حالی است که ۵۷ درصد از وظایف شوراهای ارتباطی یا تعاملی است. با توجه به وظایف فوق، ضرورت تعامل و همکاری میان شورای اسلامی و دهیار دو چندان آشکار می شود. شورای اسلامی روستا و دهیاری به عنوان دو بال نهاد مدیریت روستایی وظیفه دارند تا ضمن برقراری ارتباطی هماهنگ و قانونمند، با مشارکت مردم و متناسب با مقتضیات محلی، اداره امور روستا را بر عهده گیرند [۵]. در حال حاضر مدیریت روستایی در ایران با مسایل و مشکلاتی مواجه است که نیازمند توجه از سوی

دهیاری در سراسر کشور تشکیل شده اند. تأسیس دهیاری در روستاها را می توان نقطه عطفی در تاریخ مدیریت روستایی به شمار آورد، زیرا از هنگام دخالت دولت در مدیریت روستایی و تأسیس انجمن ده، همواره مدیریت امور روستا بر عهده انجمن یا شورای ده بود، اما با تأسیس دهیاری علاوه بر شورا در حال حاضر دو نهاد مدیریت در روستا وجود دارد. آنچه بدیهی است این موضوع است که الگوی تأسیس دهیاری در روستاها برگرفته از ساختار کنونی مدیریت شهری کشور است که دو نهاد شورای شهر و شهرداری در آن حضور دارند [۴].

با توجه به تغییر و تحولات مدیریت روستایی در سال های قبل و بعد از انقلاب در اغلب مواقع شاهد ضعف و خلاء مدیریت روستایی در کشور بوده ایم، هر چند تشکیل شوراهای اسلامی روستا پس از انقلاب اسلامی گام مثبتی به سوی جلب مشارکت بیشتر روستاییان در مدیریت توسعه روستایی بود، شوراهای اسلامی روستا، نهادی تصمیم گیرنده و غیر اجرایی بودند و ضرورت داشت تا در کنار آن مدیریت اجرایی که بتواند امور روستا را رتق و فتق نماید تأسیس گردد، از این رو «قانون تأسیس دهیاریهای خود کفا در روستاهای کشور» در سال ۱۳۷۷ به تصویب مجلس پنجم شورای اسلامی رسید. تأسیس این نهاد عمومی غیردولتی نشانه ای از حرکت به سوی اجرای نظام نوین مدیریت در روستاهاست که می تواند تحول شگرفی در فرایند مدیریت و توسعه روستایی ایجاد نماید. به هر حال با توجه به نو پا بودن این نهاد مدیریتی و وضعیت خاص نواحی روستایی، مسلماً شوراهای در کنار نقاط قوت و ضعف هایی که دارند، گذشت زمان، اصلاح قوانین و مقررات، و تکامل فرهنگ شورایی می تواند قوت ها را به حداکثر و ضعف ها را به حداقل ممکن برساند [۶].



شکل ۱: ساختار مدیریت جدید روستایی در ایران [۵].

مسئولین و سیاستگزاران می باشد این چالش ها را می توان در موارد زیر ارایه نمود:

۱- مدیریت واحد روستایی: یکی از مشکلات اصلی مدیریت شهری کشور پراکندگی مسوولیت مدیریت شهری در نزد سازمان های دولتی و شهرداری است. شکل مطلوب مدیریت شهری ایجاب می کند شهرداری مسوولیت مدیریت شهری را با توجه به پایه دموکراتیکی و انتخابی اش داشته باشد. مدیریت نوین روستایی کشور که روزهای آغازین خود را می گذراند باید از همان ابتدا بر پایه مدیریت واحد روستایی یعنی رهبری دهیاری نسبت به سایر سازمان ها به فعالیت بپردازد. تصریح قانونی با تهیه لوایح و طرح های لازم و توجیه مقامات دولتی و محلی به ویژه اعضای شوراهای اسلامی روستا و دهیاران در این خصوص الزامی است. هم چنین برای پیشبرد مؤثر تقاضاهای مدیریت روستایی و بهره گیری مؤثر و بهینه از امکانات و ظرفیت ها لازم است تا اجازه و امکان تشکیل اتحادیه های محلی مدیریت روستایی و یک اتحادیه سراسری داده شود [۶]. گر چه در مدیریت نوین روستایی از مدیریت شهری و شهرداری الگو برداری شده است ولی مدیریت روستایی ظرافت خاصی را می طلبد که در آن باید به مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار، بحث اشتغال جوانان روستایی، شناسایی قابلیت ها و استعداد روستا جهت اشتغال به منظور جلوگیری از مهاجرت و تخلیه روستاها و ... توجه شود زیرا توسعه روستایی فقط توسعه عمرانی و فیزیکی روستاها نیست که امروزه متأسفانه دهیارها بیشتر به دنبال اجرای پروژه های عمرانی در روستاها هستند در صورتیکه اگر به اقتصاد روستائیان توجه شود و اقتصاد خانوارها تقویت شود ، روستائیان خودشان چنین امکاناتی را به روستا خواهند آورد وگر نه روستا و امکانات زیر بنایی را ترک کرده و راهی شهرها خواهند شد و سرمایه گذاری های دولتی نیز هدر خواهند رفت.

۲- فقدان قوانین مشخص و روشن که سازمان های مختلف، به ویژه نهادهای دولتی را به همکاری با شوراهای اسلامی روستا ملزم کند و یا به عبارتی نبود مرجع خاصی برای رفع مشکلات حقوقی و اداری شوراها. شوراهای اسلامی روستایی در انجام وظایف خود نیازمند همکاری سایر سازمان ها، نهادها و کنشگران در عرصه های گوناگون، از جمله سازمان های دولتی هستند. که متأسفانه بیشتر شوراها از این وضعیت نا راضی هستند و اذعان می نمایند که به آنان توجه نمی شود.

۳- عدم توجه به بحث مشارکت و نظارت مردمی: عامل دیگری است که باید در بحث مدیریت روستا به آن توجه کرد نهادینه شدن مشارکت مردمی در زمینه تصمیم گیری و اجرا است. لازم است که برنامه ریزی و انجام طرح های هادی عمرانی در حوزه روستایی با مشارکت و مشورت مردم روستا صورت گیرد چون تصمیمات بر زندگی مردم روستا اثرات زیادی دارد و از این رو مردم این اجازه را دارند تا در تمام مراحل برنامه ریزی و رسیدگی به طرح های عمرانی و تصمیم گیری ها مشارکت داشته باشند [۱۷]. امروزه سطح تحصیلات و آگاهی در بین مردم و جوانان روستایی بالا رفته است و می توانند در برنامه ریزی برای روستای خودشان مشارکت داشته باشند و پیشنهادات ارزنده ای بدهند و لی چون سالیانست که برنامه ها در کشور ما بطور سنتی "از بالا به پایین" اجرا میشود و در طرحهای عمرانی نیز از طرحهای شهری الگو برداری می شود و به علت نبود اعتبار برای اجرای کامل طرح هادی برای همه روستاها بعضا طرح هادی نیمه تمام اجرا می شود و فقط به تعریض یک خیابان پرداخته می شود و حتی از شوراهای اسلامی و دهیاران به عنوان مدیران روستا نیز نظر خواهی نمی شود.

۴- آموزش نیروی انسانی: نیروی انسانی مطلع و آموزش دیده از عواملی است که موفقیت سازمان را تضمین می کند. دهیاران افرادی هستند که مهم ترین نقش را در موفقیت دهیاری ها ایفا می کنند. از این رو داشتن دهیاران آموزش دیده از نیازهای اساسی مدیریت روستایی کشور است. شناسایی نیازهای آموزشی، تعریف سر فصل های آموزشی و دوره های مورد نیاز و امکانات و ابزارهای آموزشی اقداماتی هستند که انجام آنها نیازمند برنامه ریزی و مطالعه است. انتشار کتابها و نشریات با ماهیت آموزشی و اطلاع رسانی اقدام دیگری است که می تواند انجام شود [۴]. در بحث آموزش یکی از مهمترین چالشها این است که رشته تحصیلی دهیاران با روستا و توسعه روستایی هم خوانی ندارد و شرط رشته تحصیلی خاصی برای تصدی دهیاری در نظر گرفته نشده است و دهیاران می توانند فارغ التحصیل هر رشته ای که باشند مدیریت روستا را به عهده بگیرند در صورتیکه امروزه به برکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی با توسعه واحد های دانشگاهی در اقصی نقاط کشور فارغ التحصیلان رشته هایی مانند جغرافیای روستایی ، توسعه روستایی ، علوم اجتماعی و ... که در خصوص روستا و برنامه ریزی روستایی آموزش دیده اند در بین جوانان روستایی زیاد شده که می توانند مدیریت بهتر و علمی تری را در روستاها

داشته باشند که نگارنده بارها با ارتباطی که با دهیاران داشته ام این خلأ را احساس نموده ام.

۵- منابع مالی پایدار: یکی از چالش های اصلی تمام نهادهای محلی، داشتن منابع مالی و پایدار برای ارائه خدمات است. اگرچه منابع مالی چندی برای دهیاری ها پیش بینی شده، اما لازم است تا با انجام مطالعات لازم منابع درآمدی دیگری که پایدار باشند مانند درآمدهای ناشی از گردشگری، شناسایی و تعریف شوند. موضوع دیگر بهره وری یا استفاده بهینه از منابع است. افزایش دانش های تخصصی، استفاده از فن آوری های مؤثر و تعمیر و نگهداری از ابزارهای مناسبی است که هزینه های دهیاری ها را کاهش می دهد. تعریف و عملیاتی ساختن این ابزارها نیازمند مطالعات و پژوهش های تخصصی است که باید انجام گیرد [۱۶].

۶- مدیریت روستایی گرچه طی چند دهه اخیر به مرور از حالت اقتدار گر خارج شد و به سوی توزیع بیشتر قدرت حرکت کرد اما این توزیع قدرت به انسجام مدیریت لطمه وارد آورد و یکپارچگی مدیریت روستایی را از میان برد. بی انسجامی و تجزیه مدیریت روستایی در حال حاضر یکی از دشواریهای اساسی اعمال مدیریت در جامعه روستایی کشور است. و گاه این تجزیه مدیریت و عدم هماهنگی و همدلی بین مدیران روستا همانند سدی مانع توسعه روستاهاست.

۷- سطح سواد و تحصیلات یکی دیگر از موانع اساسی در ارتباط بهینه شورای روستا و دهیاری است. سطح پایین سواد شورا و دهیاری به خصوص شوراهای اسلامی روستا موجب اشکال و کندی اداره امور روستا و خلل در اجرا و پایین آمدن راندمان آموزش شده است. به طوری که طبق آمار جمعیتی سال ۱۳۸۷ دهیاران کشور، از تعداد ۲۱۶۶۲ دهیار، ۴۵۵۹ نفر زیر دیپلم، ۱۱۶۲۷ نفر دیپلم، ۲۱۵۴ نفر فوق دیپلم، ۳۱۴۸ نفر لیسانس، ۱۱۹ نفر فوق لیسانس و ۵۶ نفر شامل دانشجویان و افراد حوزوی است. همچنین بررسی جمعیتی شورای اسلامی روستایی نشان گر سطح سواد پایین آن ها می باشد. طبق آمار مذکور از تعداد ۱۰۲۸۹۸ نفر اعضای شوراهای اسلامی روستا ۲۲۱۸۸ زیر دیپلم، ۵۳۷۱ نفر فوق دیپلم، ۷۵۹۷ نفر لیسانس و بالاتر و ۶۲۸ نفر نیز سایر (حوزوی، دانشجو) بوده اند. بنابراین بیشترین دارندگان مدرک تحصیلی پایین در دو نهاد مشاهده می شود [۱۶]. می توان یکی از عوامل را مهاجرت افراد تحصیل کرده از روستا ذکر کرد و اینکه افراد تحصیل کرده ساکن در روستا هم به علت

مشکلاتی که پیش روی شورا است ( نداشتن اعتبار و حقوق و بیمه و...) رغبتی در کاندید شدن برای شورا از خود نشان نمی دهند.

۸- تجهیزات، ابزارها و تأسیسات: ارائه خدمات اصلی محلی مانند تأمین بهداشت و نظافت، زیباسازی محیط کالبدی و ایمنی نیازمند ابزارها و تجهیزات است. کوچکی اندازه محیط سکونتگاه روستایی کاربرد انواع خاصی از ابزارها را برای مدیریت روستایی الزامی می کند. در حال حاضر اطلاعات زیادی در این باره در دسترس نیست. هم چنین مسأله ارتقای کیفیت، ارائه استاندارد یکسان، ارائه خدمات پس از فروش و آموزش، تهیه برنامه های عملی و مدیریتی را در خصوص پاسخگویی شایسته به چالش تجهیزاتی الزامی می سازد [۱۶].

۹- در مدیریت سنتی دارا بودن ویژگی های فردی و خانوادگی و به عبارت گویا تر عقل و خردمندی، توان مالی مناسب و بی نیاز نسبی معتمد بودن و خلاصه آنچه به لحاظ این مسئولیت مورد نیاز بوده از اصول اساسی انتخاب کدخدا محسوب می شد. از آن پس با انتخاب اعضای انجمن ده، شورای اسلامی ده و شورای اسلامی شهر و روستا از طریق صندوق آراء، تنها شمارش آراء تعیین کننده مدیر آینده ده گردید؛ آنهم در دوره ای مشخص و البته کوتاه. تضادها در واگذاری نقشها و تعبیرات مختلف از وظایف و اختیارات مدیر روستا، موجب شد تا هیچ یک از مدیران نام برده نتوانند هماهنگی اجتماعی روستا را که از ضرورتهای تحول اقتصادی، خدماتی و فرهنگی روستا به شمار می رود سامان بخشی کنند. در مورد مدیریت آینده جوامع روستایی کشور ضمن اینکه برای باور هستیم که کدخدای سابق مدیر زمان خاص خود بود و امروز آینده جوامع روستایی نیازمند مدیران زمان خویش اند. به این موضوع تاکید می شود که مدیریت امروزی روستاها نیز قادر نیست تا نظم مورد نیاز را در ابعاد مختلف حیات مناطق روستایی تامین کند. لذا ابعاد قدرت و مسئولیت آن به سامانی دوباره نیازمند است [۱۸]. هم اکنون ویژگیهایی که برای مدیر سنتی روستا گفته شد (ویژگی های فردی و خانوادگی و به عبارت گویا تر عقل و خردمندی، توان مالی مناسب و بی نیاز نسبی معتمد بودن و خلاصه آنچه به لحاظ این مسئولیت مورد نیاز بوده) برای انتخاب شوراها نیز ضروری است ولی متأسفانه افرادی با چنین ویژگیهایی کمتر کاندید شورا می شوند و رغبتی برای شورا شدن ندارند و نگارنده مصاحبه هایی که با چنین افرادی داشته ام اظهار می نمایند که یکی از عوامل اصلی در عدم کاندید شدن آنان از بین رفتن

احترام به بزرگتر و شورا خصوصا در نسل جوان امروزی است. زیرا مدیران روستا در گذشته از احترام خاصی بین اهالی برخوردار بودند و اهالی از مدیر روستا حرف شنوی داشتند. و به طور کلی در بسیاری از روستاها اصلا کسی حاضر نیست عضو شورا باشد و این مسئله یک چالش اساسی پیش روی مدیریت نوین روستایی است که باید چاره اندیشی شود که در هیچ مقاله و پژوهشی به این موضوع اشاره نشده است.

۱۰- در مدیریت نوین روستایی جمعیت زنان روستایی به عنوان نیمی از جمعیت روستا و مشارکت در تولید و توسعه روستایی در انزوا قرار گرفته اند و در صد بسیار ناچیزی از زنان روستایی در انتخابات شوراها شرکت کرده اند که قابل تأمل است. باید بسترهای لازم جهت شرکت زنان در مدیریت روستا فراهم شود.

۱۱- در عصر حاضر موضوع مدیریت و اهمیت آن درباره هر گونه فعالیت اعم از فرهنگی اجتماعی و اقتصادی به صورت رشته های تخصصی در دانشگاهها آموزش داده می شود مانند مدیریت صنعتی، مدیریت دولتی، مدیریت استراتژیک و ... آیا امروزه با جهانی شدن و پیچیدگیهای مسائل جامعه امروزی و ورود روستاها به عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات در این دهکده جهانی در آستانه قرن ۲۱ شایسته است که نسبت به مدیریت روستایی بی تفاوت باشیم؟ مسلما زیانهای جبران ناپذیری از این غفلت در آینده خواهیم دید که جا دارد هم اکنون با همکاری اساتید دانشگاهی پژوهشگران متخصصان و کارشناسان سیاستگزاری و اجرایی نسبت به راه اندازی رشته "مدیریت روستایی" در دانشگاهها اقدام شود تا با تربیت مدیران لایق و علمی برای روستاهای کشورمان بعنوان تولید کنندگان منابع پایه کشاورزی شاهد شکوفایی هر چه بیشتر روستاها باشیم.

۱۲- نگارنده با ارتباط نزدیکی که با دهیاران داشته ام همگی به دلیل نداشتن امنیت شغلی نگران وضعیت آینده خود بوده اند زیرا شوراهای اسلامی طبق قانون فقط برای مدت چهار سال فردی را به عنوان دهیار انتخاب می نمایند که پس از سپری شدن مدت چهار سال و انتخاب شوراهای اسلامی جدید دهیار سمت خود را از دست می دهد و فرد دیگری جانشین آن خواهد شد بنابر این دهیاران رغبت و انگیزه ای ندارند تا با علاقه و اشتیاق وظایف خود را انجام دهند که لازم است در این قانون بازنگری شود.

**فرصت ها و قابلیت ها**

مدیریت نوین روستایی از توانمندی ها و قابلیت های قابل ملاحظه ای برخوردار است. به نظر می رسد بخشی از این قابلیت ها به دلیل چالش ها و دشواری ها به طرز بهینه ای مورد استفاده قرار نمی گیرند و بخشی نیز به طور کلی بدون استفاده مانده است. که به شرح زیر می باشد:

- دیدگاه و توجه جدید مثبت به توسعه مدیریت روستایی کشور در بین نهادها و سازمان های دولتی؛

- نوپا بودن نهاد دهیاری و وجود انگیزه در بین جوانان روستا؛

- وجود زنان دهیار به عنوان تقویت کننده امور اجتماعی، بهداشتی روستا؛

- وجود دانش بومی غنی برای بهره وری مناسب و مؤثر از منابع روستا؛

- وجود ظرفیت ها و پتانسیل های بالقوه در محیط روستایی برای اخذ عوارض در جهت تقویت منابع درآمدی روستایی؛

- وجود نهاد دهیاری و شورای اسلامی روستا به عنوان رابط نهادهای دولتی و مردمی جهت رفع مشکلات و خواسته های روستاییان؛

- آمادگی نسبی ساختار مدیریت نوین روستایی در پذیرش نوآوری ها و فعالیت های نوین در روستاها [۵].

### ۳. جمع بندی و نتیجه گیری

در کشور ما پس از تحولات و چالشهای فراوان در عرصه مدیریت روستایی شورای اسلامی روستا و دهیاری ها پایه عرصه مدیریت روستایی نهادند، که از مدیریت شهری و شهرداری الگوبرداری شده است که خود دارای چالشهای فراوانی است مدیریت روستایی نسبت به مدیریت شهری ظرافت خاصی را می طلبد همان گونه که از نام شورا پیداست ایجاد تعامل و همکاری و همیاری برای تحصیل در فرایند توسعه روستایی از اهداف مهم این نهاد مردمی می باشد و شورا به عنوان نهاد تصمیم گیر برنامه ریز و تأثیرگذار و دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورا و مسوول اجرای امور روستا شناخته می شود بنابراین وظیفه شورا امروزه با جهانی شدن و پیچیدگی های مسائل جامعه امروزی و ورود روستاها به عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات در آستانه قرن ۲۱ بسیار مهم می باشد که متأسفانه با چالش های فراوانی مواجه است. که سطح پایین سواد و تحصیلات شوراها یکی از موانع



اساسی و موجب اشکال و خلل در اداره امور روستاها شده است. که در این مقاله به آن پرداخته شد. که در همین زمینه مهاجرت افراد تحصیل کرده روستاها و عدم مشارکت آنان در مدیریت روستاها و نداشتن انگیزه در شوراهای کنونی به دلایل مختلف که خود جای بحث جداگانه ای دارد همچنین تخصصی نبودن رشته تحصیلی دهیاران، نداشتن امنیت شغلی، منابع مالی محدود، عدم مشارکت زنان روستایی در مدیریت روستاها و... همگی دلیلی است بر این ادعا که مدیریت روستایی در کشور ما نیازمند سامانی دوباره می باشد. در این مقاله پیشنهادهای از جمله ایجاد رشته تخصصی مدیریت روستایی در دانشگاهها برای تربیت دهیاران آینده و همچنین استفاده از فارغ التحصیلان رشته های مرتبط با روستا از جمله توسعه روستایی، جغرافیای روستایی و... بعنوان دهیار داده شد. یکی از اشکالات اساسی در انتخاب شوراها استفاده از صندوق آراء و تعیین مدیر آینده روستاها در دوره ای مشخص و کوتاه است که در این انتخابات به دلایلی که در متن مقاله به آن پرداخته شد (از بین رفتن احترام به بزرگتر و...) افراد لایق که دارای توان مدیریتی و خردمندی و خلاصه آنچه لازمه مدیریت باشد، به عنوان شورای اسلامی کاندید نمی شوند و به طور کلی به علت مشکلاتی که پیش روی شوراها قرار دارد در بسیاری از روستاها کسی حاضر نیست به عنوان شورای اسلامی روستا انتخاب شود که باید در این خصوص چاره اندیشی شود.

مدیریت جدید روستایی، بر ظرفیت های جوامع محلی، با اداره دقیق مکان و بهره برداری از منابع آن متکی است. در مقطع کنونی با جهانی شدن ارتباطات و تمرکز سرمایه ها، مجموعه مدیریت باید با ارائه راهکارهای مفید و ابتکار در عمل برای سازندگی روستاها تلاش کند. بنابراین در برنامه ریزی های توسعه روستایی باید به مدیریت نوین روستایی برای نوسازی روستایی توجه داشته باشد زیرا از این طریق می توان شناخت لازم برای برنامه ریزی توسعه و اجرای آن در محیط روستا را عملی کرد. مدیریت جدید روستایی با توجه به نو پا بودن نیازمند مدیران کارآمدی است که بتوانند با تکیه بر اراده مردم و ارتباط رسمی و منطقی با دولت، ضامن برقراری ارتباط پایدار، دوسویه مردم و حکومت بوده و بخشی از وظیفه مدیریت و تحول در جامعه را بر عهده داشته باشند. بر اساس چنین شرایطی و با توجه به تجربیات موجود، مشکلات و قابلیت ها و نتایج بدست آمده می توان پیشنهادات زیر را برای تقویت و توسعه مدیریت نوین روستایی در ایران مطرح نمود:

- ارتباط و تعامل مثبت و سازنده با متولیان امر سیاستگذاری، راهبری و هدایت دهیاران و شوراهای اسلامی روستا در تمامی سطوح و برقراری تعامل با کلیه دستگاهها، سازمان ها و نهادهای متولی و مرتبط با امور توسعه روستایی؛

- ایجاد زمینه های اعتقاد مسوولان و متولیان توسعه روستایی به ضرورت و اهمیت مشارکت مردمی؛

- ساماندهی مشارکت های مردمی در مدیریت نوین روستایی؛

- ایجاد هماهنگی میان برنامه ها و اقدامات دستگاههای ذی ربط در چارچوب توسعه پایدار روستایی شامل برنامه ریزی آموزشی، ظرفیت سازی و اطلاع رسانی در سطوح ملی و محلی؛

- تعیین نقش و جایگاه دهیاری، شورای اسلامی، مردم و نهادها و دستگاههای دولتی، در فرایند تهیه برنامه؛

- چگونگی اختصاص اعتبارات ملی به فعالیت های مرتبط روستاها که هم اهداف ملی را تأمین نماید و هم موجب پویایی روستا گردد؛

- مدیریت روستایی، توجه به اجرای آموزش های عمومی، فنی، تکنولوژی و ... که جهت گیری های نوین کشور به طرف آنهاست را در روستاها به اجرا درآورد؛

- مساعدت و همکاری با دهیاری ها در امر ایجاد محیط هایی با ویژگی های فرهنگی و گردشگری در راستای توسعه پایدار؛

- تثبیت و پایدار نمودن کمک های فعلی دولت به دهیاری های کشور؛

- حمایت از ایجاد اشتغال و افزایش نقش فعالیت های صنعتی و خدماتی قابل استقرار در کانون های رشد روستایی.

اگر قائل باشیم که نهاد دهیاری یک نهاد مردمی و قرار است نهادی پایدار در مدیریت و توسعه روستایی باشد، باید بدانیم که در صورتی این نهاد پایدار و موفق خواهد بود که خود را به ویژگی های زیر نزدیک کند:

۱- فراگیر بودن: نهادی پایدار است که هر چه بتواند فراگیر باشد دهیاری ها باید همه جامعه روستایی را با یک دید و نگاه ببیند و نباید گروههای خاصی از مردم روستا از خدمات دهیاری بهره مند شوند دهیاری ها باید در ارائه و توزیع خدمات به

## مراجع

[۱] افتخاری، عبدالرضا رکن الدین "کنکاشی در تعامل شورا، دهیار و مردم در میزگردی با عنوان دهیاران و شورای اسلامی" ماهنامه دهیاری ها، شماره ۲۱، خرداد ۱۳۸۶، صفحه ۷.

[۲] افتخاری، عبدالرضا رکن الدین - سجاسی قیداری، حمدالله- عینالی، جمشید "نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیر گذار" فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، صفحه ۷.

[۳] افرخته، حسن "مدیریت روستایی با تاکید بر ایران" تهران، گنج هنر، ۱۳۸۸، صفحه ۱۰۵.

[۴] ایمانی جاجرمی، حسین - عبداللهی، مجید "بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر" فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۲، ۱۳۸۸، صفحات ۲۴۰-۲۴۲.

[۵] بدری، سیدعلی "چالش های مدیریت روستایی در ایران و ارایه سیاست های راهبردی" فصلنامه ره نامه سیاستگزاری، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۰، صفحات ۱۶۳-۱۷۲.

[۶] بدری، سیدعلی - موسوی، سیدعارف "مدیریت نوین روستایی(در جستجوی راه کاری مناسب برای توسعه دهیاری ها)" اشتیاق نور، تهران، ۱۳۸۸، صفحات ۱۶-۱۶۴.

[۷] چوپانیان، شهلا- کلانتری، خلیل- فمی حسین، شعبانعلی "عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری های استان گیلان" فصلنامه روستا توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، ۱۳۸۶، صفحه ۳.

[۸] حسینی ابری، سید حسن "کدخدای؟! " فصلنامه تحقیقات جغرافیایی علمی - پژوهشی، سال ۱۶، شماره ۱، ۱۳۸۰، صفحه ۸۵.

[۹] رضائیان، علی "مبانی سازمان مدیریت" انتشارات سما، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۰، صفحه ۶۱.

[۱۰] سعیدی، عباس، مدیریت روستایی "دایره المعارف مدیریت شهری ر روستایی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی" مؤسسه فرهنگی اطلاع رسانی و مطبوعاتی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، صفحه ۶۹۶.

[۱۱] صیدایی، سیداسکندر "برنامه ریزی روستایی در ایران" انتشارات جهاددانشگاهی واحد اصفهان، ۱۳۹۰، صفحات ۱۱۷-۱۱۸.

[۱۲] طالب، مهدی "مدیریت روستایی در ایران" چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، صفحه ۱۲.

[۱۳] علینی، محسن "بررسی زمینه های تاریخی وچالش های ساختاری مدیریت روستایی در ایران" تحول اداری، سال ۱۰، شماره ۵۴، ۱۳۸۵.

[۱۴] فوران، جان "مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران" ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸، صفحات ۵۸-۵۹.

محلات و بخش های مختلف روستا فرهنگ عدالت توزیعی را رعایت کند؛

۲- مدیریت واحد روستا: تا حد ممکن باید مدیریت روستا در دهیاری متمرکز شود. همه باید نهاد را به عنوان عنصر تسهیل کننده روابط بین مردم و دولت بپذیرند. در نهایت، دهیاری متولی روستا است و باید همه امور روستا با هماهنگی این نهاد انجام بپذیرد، و سایر سازمان های دولتی مربوط به روستا نیز نسبت به این مدیریت واحد کمال همکاری و هماهنگی را داشته باشند؛

۳- مردم گرایی: یعنی برای نهاد دهیاری ها مردم اصل باشند، در این صورت رضایتمندی مردم را بدست خواهد آورد. اگر اساس دهیاری بر رضایتمندی مردم استوار باشد آن نهاد پایدار خواهد بود؛

۴- مشارکت مردم در مدیریت روستایی یکی از محورها و اهداف اساسی در مدیریت نوین روستایی است بنابراین لازم است، مشارکت های مردمی در تمامی مراحل تصمیم گیری، برنامه ریزی، اجرا و بهره برداری مورد تأکید قرار گیرد؛

۵- با اینکه دهیاری یک نهاد غیر دولتی است ولی به نظر می رسد، بیشتر نگرش و دیدگاه از بالا به پایین و یک نهاد دولتی است که از سوی بخشداری ها، فرمانداری ها و استاندارها اداره می شود لازم است مسئولین امر نسبت به این نکته توجه داشته باشند؛

۶- به منظور مدیریت یکپارچه و واحد در سطح روستایی لازم است، تفاهم نامه های مشترکی با نهاد ها و سازمان های درون روستا و از خارج از روستا در زمینه هماهنگی و ساماندهی کلیه امور روستا منعقد گردد؛

۷- محدودیت منابع مالی دهیاری ها برای انجام امور محوله، یکی از عوامل اصلی محدودیت ها و مشکلات در انجام وظایف دهیاری ها می باشد. بنابراین در این زمینه سازمان باید نسبت به مساعدت مالی از طرف دولت، اخذ عوارض در مقابل ارائه خدمات عمومی، استفاده از تسهیلات مالی بانک ها و مشارکت مردمی در جهت بر طرف کردن این مشکل اقدام نماید.

۸- دهیاران تعامل خود را با شورای اسلامی روستا تا حد ممکن افزایش دهند، چراکه این امر کمک شایانی به استقرار مدیریت واحد روستایی خواهد کرد.

تعارضات و خلاء های قانونی آن" انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷، صفحات ۱۹-۲۰.

[۱۸] نعمتی، مرتضی- بدری، سید علی "ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی (مقایسه تطبیقی دهیاری های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ مطالعه موردی: استان گلستان)" پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۹، ۱۳۸۶، صفحه ۱۶۳.

[۱۵] فیروز نیا، قدیر- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا- بدری، سیدعلی "چشم انداز و نظام مدیریت برنامه ریزی توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران" تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، صفحات ۹-۱۶۹.

[۱۶] قدیری معصوم، مجتبی - ریاحی، وحید "بررسی محورها و چالش های مدیریت روستایی در ایران" پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۰، ۱۳۸۳، صفحه ۱۹۵.

[۱۷] معاونت پژوهشی و جهاد دانشگاهی واحد تهران "بررسی و تحلیل قوانین و مقررات مرتبط بامور دهیاریها و ارائه پیشنهادات قانونی جهت رفع ابهامات

Archive of SID

# SID



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در  
خبرنامه



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی